

درباره تبریز



تَبْرِیز یکی از شهرهای بزرگ ایران و مرکز استان آذربایجان شرقی است. این شهر بزرگ‌ترین شهر منطقه شمال غرب کشور و قطب اداری، ارتباطی، بازرگانی، سیاسی، صنعتی، فرهنگی و نظامی این منطقه شناخته می‌شود. براساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران که در سال ۱۳۹۰ صورت گرفته، شهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۱۴۹۴۹۹۸ نفر چهارمین شهر پرجمعیت ایران پس از شهرهای تهران، مشهد و اصفهان محسوب می‌گردد. این شهر به دلیل جای دادن بسیاری از کارخانجات مادر و بزرگ صنعتی در خود و نیز وجود بیش از ۶۰۰ شرکت قطعه‌ساز در آن، دومین شهر آلوده و نیز دومین شهر صنعتی کشور پس از تهران به‌شمار می‌رود و به دلیل صنعتی بودن، یکی از مهم‌ترین شهرهای مهاجرپذیر ایران محسوب می‌شود. پس از بهره‌برداری از آزادراه نی‌اکرم، میزان مسافرپذیری تبریز روبه افزایش نهاد و این شهر پس از مشهد به‌عنوان دومین شهر مسافرپذیر کشور مطرح گردید. به جهت ریشه‌کنی تکدی‌گری از تبریز، این شهر به‌عنوان شهر بدون گدا شناخته می‌شود.

شهر تبریز در غرب استان آذربایجان شرقی و در منتهی‌الیه مشرق و جنوب شرق جلگه تبریز قرار گرفته‌است. این شهر از سمت شمال به کوه‌های پکه‌چین و عون بن علی، از سمت شمال شرق به کوه‌های باباباگی و گوزنی، از سمت شرق به گردنه پایان و از سمت جنوب به دامنه‌های کوه سهند محدود شده‌است. آب و هوای تبریز در زمستان‌ها بسیار سرد و در تابستان‌ها خشک و گرم است؛ اگرچه حرارت به دلیل نزدیکی به کوه سهند و وجود باغ‌های زیادی در پیرامون شهر تعدیل می‌گردد.

نام تبریز در کتاب‌ها و اسناد تاریخی تحت نام‌های مختلفی نظیر «تَورز»، «تَورژ»، «تَبْرِیز» و «توری» به ثبت رسیده‌است. این شهر در طول تاریخ بارها ویران و تجدیدبنا شده‌است. بنای تبریز به دوران اشکانی و ساسانی برمی‌گردد؛ البته در آغاز دوران اسلامی روستای کوچکی بیش نبوده‌است. این شهر در طول حکومت چهارصدساله خاندان «رَوَّادی» و اسکان قبیله عرب «أزد» به شکوفایی رسید. اوج شکوفایی تبریز در زمان ایلخانان بود که در این زمان، این شهر پایتخت قلمرویی پهناور از نیل تا آسیای مرکزی بوده‌است. شهر تبریز در سده‌های گذشته شاهد حوادث متعددی از قبیل اشغال توسط بیگانگان و زمین‌لرزه‌های مهلک بوده‌است. این شهر

پایتخت آق‌قویونلوها و قراقویونلوها، نخستین پایتخت حکومت صفویه و آغازگر انقلاب مشروطه برعلیه استبداد محمدعلی شاه بوده‌است.

شهر تبریز نخستین پایتخت جهان تشیع است. و به سبب موقعیت مناسب خود، در گذشته از مراکز تجاری منطقه بوده و هم‌اکنون نیز یکی از مراکز مهم صنعتی در سطح ایران محسوب می‌شود. این شهر در دو سده اخیر، مبدأ بسیاری از تحولات اجتماعی، فرهنگی و صنعتی در کشور بوده و نقشی کلیدی در تحولاتی مانند انقلاب مشروطیت، انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ و مدرنیزه کردن ایران داشته‌است. مردمان تبریز هم‌اکنون به زبان ترکی آذربایجانی تکلم می‌نمایند؛ هرچند اسناد و شواهد موجود نشان می‌دهد که پیش‌تر زبانی ایرانی با ریشه غیرترکی در این شهر تکلم می‌شده‌است.

وجه تسمیه

به گفته ولادیمیر مینورسکی، ایرانشناس، یاقوت حموی در «معجم‌البلدان» گزارش می‌دهد که نام شهر در زمان دیدار یاقوت از تبریز در زبان محلی «تبریز» تلفظ می‌شده‌است. مینورسکی معتقد است که تلفظ تبریز باید به گویش ایرانی آذری قدیم تعلق داشته باشد. این گویش به گویش‌های موسوم به گویش‌های ایرانی جنوب دریای خزر وابسته‌است. یا به احتمال بیشتر، تلفظ تبریز معرب شده نام شهر در باب فعلیل (در عربی) است. همچنین شیوه نگارش نام این شهر در (زبان) ارمنی و تجزیه و تحلیل صیغه ارمنی، نمایانگر وابستگی واژه توریژ به زبان پهلوی شمالی می‌باشد. مینورسکی در پایان چنین نتیجه می‌گیرد که این مسأله نشان می‌دهد که ریشه نام شهر به زمان‌های بسیار دور، اوایل سلسله ساسانی یا شاید قبل از اشکانیان برمی‌گردد. بنابر گفته مصطفی مؤمنی در دانشنامه اسلامی، اهالی بومی آذربایجان، تبریز را توری (چشمه یا رود گرم) می‌خوانده‌اند. تا اوایل قرن چهاردهم خورشیدی نیز، روستاییان اطراف تبریز، این شهر را توری می‌نامیده‌اند. حتی در حال حاضر، مردمان قنبرآباد در اطراف تبریز، به این شهر توری می‌گویند. «در نوشته‌های کهن (برای نمونه ابوالفداء) نام این شهر به شکل «توریز» آمده‌است و هنوز هم در زبان‌های کردی و تاتی «توریز» و «توری» به کار می‌رود. لرد کرزن نیز تبریز را کلمه‌ای آریایی مستخرج از تب به معنای «گرم و نیم گرم» و رز و ریز و رش از مصدر «ریختن» می‌داند و آن را به سبب وجود چشمه‌های آب گرم مجاورش «گرما ریز» معنی کرده‌است. ویلهلم آیلرس - زبان‌شناس آلمانی - یافتن ریشه دقیق واژه تبریز را دشوار دانسته و احتمال داده‌است که تبریز از دو بخش تب و رز، به معنای «رود آب گرم» تشکیل شده‌باشد. تب یا تف به معنای «گرم» (مثلاً در تفتان) و ریز به معنای «جریان داشتن چشمه و جوی» است؛ «کاریز» و «نیریز». در تقویم البلدان (تألیف در ۷۲۱ هجری) در دوجا آن را «توریز» آورده‌است و در تالی کتاب وفیات الاعیان، تألیف ابن صقاعی نیز «توریز» آمده است. در نسبت بدین نام، «توریزی» می‌نوشته اند؛ چنانکه ابن بطوطه از شخصی منسوب به توریز نام برده‌است: «موکل بنا امیر جلال‌الدین بن الفلکی التوریزی است». فاوست بیزانی در قرن چهارم میلادی، تبریز را «تورژ» و «تورش»، اسولیک در قرن یازدهم میلادی، نام این شهر را «تورژ» نوشته‌است و واردان در قرن چهاردهم میلادی آن را «تورژ» و «دورژ» ذکر کرده‌است. گویا دورژ اخیر از لهجه عامیانه ارمنی مشتق شده‌است و اصل کلمه، «د-ای-ورژ» به معنای «این برای انتقام است» بوده‌است. بر طبق پاره‌ای منابع، این شهر در سال ۲۴۶ میلادی «شهبستان» نامیده می‌شده‌است و توسط تیرداد سوم، حکمران اشکانی تبار منطقه، به تورژ تغییر نام داده‌است.

در دانشنامه اسلامی، در پایان نتیجه‌گیری می‌شود که با توجه به منابع ارمنی که نام شهر را در قرن پنجم (بلکه چهارم) میلادی، «تورژ» دانسته‌اند و این که به فارسی هم تورز تلفظ کرده‌اند و با توجه به معنای متداول فارسی «تبریز» و «تب‌پنهان‌کن» و به قول اولیای چلبی «سِتمه دوکوجو» (ستمه: تب، دوکوجو: ریزنده) است و احتمالاً نام تبریز، «پنهان‌کننده تف و گرما» و با «جنبش‌های آتشفشانی کوه سهند مرتبط بوده‌است.

دانشنامه بریتانیکا نیز نظری مشابه دارد و تبریز را در اصل «تپ + ریز» می‌داند، چیزی که باعث روان شدن گرما می‌شود که احتمالاً به خاطر چشمه‌های آب گرم اطراف آن است.

در مورد نام شهر توجیه مصطلح ولی عامیانه دیگری وجود دارد. حمدالله مستوفی درباره وجه تسمیه تبریز می‌نویسد: «بنای تبریز از زبیده (زن هارون الرشید) است. وی به بیماری تب نوبه مبتلا شده بود؛ چند روزی در آن حوالی اقامت کرده، در اثر هوای لطیف و دل‌انگیز آن جا بیماری وی زایل شده، فرموده شهری در آن محل بنا کنند و نام آن را تبریز بگذارند». هر چند احمد کسروی در کتاب آذری یا زبان باستان آذربایجان توجیه اخیر را عامیانه و نادرست می‌داند.

شهر تبریز شهر تاریخ‌ساز، شهر حماسه‌ها و شهر اسطوره‌ها و شهری است که بر دامنه کوه سرخاب واقع گشته که به‌قولی نامش (توریس یا تاوریس) برگرفته از نام این کوه سرخ‌فام بوده‌است. این شهر به‌دلیل شرایط خاص جغرافیایی و طبیعی از اهمیت بالای اقتصادی و سیاسی برخوردار است و پیدایش تمدن‌های باستانی نظیر سان‌ها و مادها در دوره‌های پیش از تاریخ گواهی این ادعا است.

کاوش‌های اخیر باستان‌شناسی در محوطه مسجد کبود وجود تمدن و فرهنگ بیش از ۴۵۰۰ ساله را در این شهر به اثبات رسانده و در صورت کشف محل دژ (تاروئی تارماکیس) در محدوده فعلی شهر تبریز بر اهمیت تاریخی آن افزوده خواهد شد. براساس نوشته‌های مورخان و جهان‌گردان در سده‌های بعد از اسلام، تبریز نه تنها از شهرهای مهم و معتبر آذربایجان، بلکه از شهرهای مهم کشور نیز بوده‌است. عبور جاده ابریشم از نزدیکی آن موجب شکوفایی اقتصادی و فرهنگی گردیده و ارتباطات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجبات تغییر و تحول فرهنگ، تمدن و آداب و رسوم مردم این سرزمین گردیده و مقدمات ایجاد بسیاری از علوم، مکاتب، موسسات و نهادهای مدنی برای اولین بار در کشور را به ارمغان آورده‌است و نام شهر تبریز را به‌عنوان «شهر اولین‌ها» در کشور بلند کرده‌است. اولین مدرسه، اولین کتابخانه، اولین بیمارستان، اولین نشریه، اولین تئاتر، اولین بلدیة و... در این شهر بوده‌است.

پیشینه تبریز:

ارتباط شهر تبریز با گروهی از شهرها و قلعه‌های همزمان با دوران مادها، در میان محققین مورد مشاجره فراوان قرار گرفته‌است. تعدادی از محققین بر این عقیده‌اند که دژ «تارویی-تارماکیس»، که نام آن در کتیبه سارگن دوم -پادشاه آشور در بین سال‌های ۷۰۵ تا ۷۲۱ پیش از میلاد مسیح آمده‌است، در محل شهر کنونی تبریز قرار دارد. این دژ بنا بر کتیبه سارگن، محل نگه‌داری اسب‌های ذخیره سواران اورارتو بوده‌است که در حمله آشوری‌ها ویران شده‌است.

شهر کنونی تبریز بر روی خرابه‌های شهر «تورژ» (بارها) بنا شده‌است. تورژ یکی از بااهمیت‌ترین مراکز بازرگانی منطقه بوده‌است و به‌عنوان پل ارتباطی میان شرق و غرب اهمیت فراوانی داشته‌است. این شهر در زمان حکمرانان اشکانی تبار ارمنستان، پایتخت این منطقه بوده‌است. هرچند ولادیمیر مینورسکی در دانشنامه اسلام این نظریه را رد کرده و بیان می‌کند این داستان که شاه اشکانی تبار ارمنستان به‌خاطر انتقام کشته‌شدن اردوان (آخرین پادشاه اشکانی) به‌دست اردشیر بابکان (بنیان‌گذار سلسله ساسانی) تبریز را اشغال کرده و این شهر را پایتخت ارمنستان قرار داده‌است، تنها براساس نوشته‌های واردان -تاریخ‌نگار ارمنی در قرن چهاردهم میلادی- در منابع قدیمی به چنین چیزی اشاره نشده‌است و این روایت ریشه‌ای عامیانه دارد.

در کتاب تاریخ ایران (چاپ دانشگاه کمبریج) آمده‌است که شهر تبریز در اوایل دوره ساسانی (سده سه یا چهار میلادی) بنا شده‌است و یا به احتمال بیش‌تر در سده هفتم این واقعه روی داده‌است.

از فتح آذربایجان توسط اعراب تا ایلخانان

در زمان فتح آذربایجان به‌دست اعراب در سال ۲۲ هجری، آن‌گونه که در کتاب فتوح‌البلدان بلاذری آمده‌است، توجه سپاه اعراب بیش‌تر متوجه شهر اردبیل بوده‌است و حتی نامی از تبریز در فهرست شهرهایی که مرزبان پارسی از آن‌ها سربازگیری کرده‌بود،

نیامده است. چنین پیداست که تبریز همان گونه که «فاستوس بیزانسی» اشاره کرده است، در قرن چهارم میلادی ویران شده بود و در زمان حمله اعراب، قریه‌ای کوچک بیش نبوده است.

پس از فتح آذربایجان، گروهی از اعراب در آذربایجان ساکن شدند. در زمان خلافت منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸)، و در حدود سال ۱۳۷ هجری، مردی به نام «رواد» از قبیله «آزد» از قبایل مشهور یمن در تبریز مسکن گزید و پسران او اقدام به ساخت نخستین دیوار شهر کردند. به گفته یاقوت حموی، تبریز قریه‌ای بود تا آن که رواد از دی در زمان متوکل عباسی به آن درآمد. پس از رواد، پسرش «وجنا» با برادرانش در آن جا قصرها ساختند و گرد شهر دیوار کشیدند. سپس مردم به آن شهر درآمدند. نویسندگانی مانند ابن خردادبه، بلاذری و طبری، تبریز را در بین شهرهای کوچک آذربایجان نام برده‌اند. در حالی که مقدسی شهر را تحسین کرده و هم‌عصر او ابن حوقل (حدود ۳۶۷ هجری) تبریز را آبادتر از اغلب شهرهای کوچک آذربایجان می‌شمارد. این شهر از نیمه اول سده سوم هجری روبه گسترش نهاد و اهمیت آن در منطقه آذربایجان به اندازه‌ای بود که متوکل عباسی پس از زمین‌لرزه سخت و ویرانگر تبریز در سال ۲۴۴ هجری، بی‌درنگ فرمان بازسازی شهر را صادر نمود. تبریز که در دوره فرمانروایی «ابومنصور وهسودان رواد» (روبه گسترش و آبادانی نهاده بود، در اثر زمین‌لرزه سال ۴۳۴ هجری مجدداً به شدت آسیب دید. به طوری که ناصر خسرو که در ۴۳۸ هجری از این شهر دیدن کرده است، مساحت تبریز را ۱۴۰۰ در ۱۴۰۰ گام بیان کرده که بر این اساس به نظر نمی‌رسد مساحت شهر متجاوز از یک کیلومتر مربع بوده باشد. اعضای خاندان روادیان تا ۴۴۶ هجری با چند وقفه، حاکمان تبریز بوده‌اند. در این سال طغرل سلجوقی، وهسودان رواد را خراج‌گزار خود کرد و به گفته ابن اثیر، طغرل در سال ۴۵۰ هجری «مملان بن وهسودان» را به حکمرانی آذربایجان گماشت. الب ارسلان (جانشین طغرل) در ۴۶۳ حملان را از حکومت آذربایجان برکنار نمود و نزدیک به چهارصدسال فرمانروایی خاندان رواد را در این سرزمین پایان داد.

در نوشته‌های تاریخی از دوران سلجوقی، اشاره‌های زیادی به تبریز یافت نمی‌شود. در راحة‌الصدور آمده که طغرل جشن ازدواج خود را با دختر خلیفه در نزدیکی این شهر برپا ساخت. بعد از وفات سلطان محمود غزنوی (به سال ۵۲۵ هجری) بین داود پسر سلطان محمود و مسعود برادر وی تنشی جهت تصاحب تبریز پیش آمد که در این میان داود پیروز شد و تبریز را مقر حکومت خود ساخت. آن چنان که از شواهد تاریخی برمی‌آید از زمان قزل ارسلان (۵۸۷-۵۸۲ هجری) به بعد تبریز برای همیشه پایتخت آذربایجان گردید. در ابتدای قرن هفتم هجری مغول‌ها دوبار به تبریز حمله بردند ولی با دریافت غرامت بازگشتند. در سال ۶۲۷ هجری مغول‌ها در نهایت بر تمام آذربایجان و به‌خصوص تبریز دست یافتند.

از ایلخانان تا جنبش مشروطه سفینه تبریز؛ از آثار برجسته ادبی دوره ایلخانان که در بین سال‌های ۷۲۱ تا ۷۲۳ هجری توسط ابوالمجد تبریزی در تبریز گردآوری و کتابت شده است.

اوج شکوفایی تبریز در زمان ایلخانان بود؛ یعنی زمانی که این شهر پایتخت قلمرویی بود که از نیل تا آسیای میانه گسترده شده بود. تبریز در دوران تیموریان، قراقویونلوها و اوایل سلسله صفویه نیز پایتخت ایران بوده است. این شهر به سال ۱۵۰۰ میلادی (۹۰۶ هجری) به تصرف شاه اسماعیل درآمد و نخستین پایتخت ایران جدید در دوره صفویه شد. در این زمان حدود دوسوم جمعیت -۲۰۰ هزار نفری تبریز سنی‌مذهب بودند و به‌زودی سیاست‌های سختی جهت تحمیل مذهب شیعه بر سنیان تبریز اعمال گردید. نزدیکی این شهر به مرز ایران و عثمانی موجب شد که تبریز در برابر تهدیدهای این حکومت آسیب‌پذیر شود؛ به طوری که چندین بار به تصرف عثمانیان درآمد تا این که شاه تهماسب صفوی در سال ۱۵۱۴ میلادی (۹۲۰ هجری) پایتخت را از تبریز به قزوین منتقل نمود. تبریز در دوره قاجار ولی‌عهدنشین این سلسله بود و ولی‌عهدان سلسله قاجار در این شهر اقامت می‌گزیدند.

تبریز در جنبش مشروطه نقشی مهمی برعهده داشت و دلیری و فداکاری کسانی چون ستارخان (سردار ملی)، باقرخان (سالار ملی)، و شیخ‌الاسلام به پیروزی جنبش و گرفتن مشروطه منجر شد. پس از سرکوب مشروطه توسط محمدعلی شاه قاجار تمام حرکت‌های مشروطه‌خواهانه در تهران خاموش شدند؛ اما در تبریز و تنها در چند محله آن، هنوز کسانی بودند که حاضر باشند تا پای جان از این دست‌آورد پاسداری کنند. ستارخان و پیروانش در محله امیرخیز، باقرخان از محله خیابان و مارالان و آرامنه این محله‌ها و حدود یک‌صد داوطلب مسلحی که توسط روشنفکران ارمنی شهر از قفقاز سازماندهی شده‌بودند، شروع به مقاومت کردند و به‌تدریج چند محله دیگر نیز به آن‌ها پیوستند. مقاومت آن‌ها در مقابل نیروهای طرفدار محمدعلی شاه، به سرکردگی امام جمعه تبریز و با حمایت طایفه شاهسون و دیگر مدافعان استبداد، ماه‌ها ادامه داشت تا این‌که در اصفهان و گیلان نیز مردم به‌پا خواستند و مشروطه‌خواهان با فتح تهران به پیروزی رسیدند. در واقع شروع قیام مشروطه‌خواهان برعلیه استبداد محمدعلی شاه، از شهر تبریز بوده‌است.

رونق مبادلات تجاری و فرهنگی تبریز و مرکزیت اقتصادی این شهر در طول سده‌ها، به پیشرفت و گسترش نهادهای مدنی و اجتماعی تبریز منجر شده‌است. به‌ویژه در دوران قاجار، تبریز به‌سبب همجواری با روسیه و عثمانی و نزدیکی این شهر به راه‌های ارتباطی غرب، نقطه آغازین بسیاری از پیشرفت‌ها در سطح کشور بوده‌است. در این دوران بسیاری از جنبش‌های فکری، تحولات اجتماعی، اقتصادی و فنی و بسیاری از نهادهای مدنی پیش از تهران و دیگر نقاط ایران، در این شهر شکل می‌گرفت. بسیاری از اولین‌های تاریخ ایران مانند اولین چاپخانه، اولین سینمای عمومی، اولین کودکانستان و اولین مدرسه کر و لال‌های ایران، ادبیات نوین، نمایشنامه‌نویسی به زبان فارسی و آذری، اولین خیابانی که در ایران دارای برق شد و... در تبریز بوده‌اند.

در سال ۱۳۲۴ خورشیدی فرقه دموکرات آذربایجان با حمایت شوروی سعی در برپایی حکومتی مستقل از دولت مرکزی ایران کرد و تبریز مرکز فعالیت‌های این گروه بود. ولی با بیرون‌رفتن نیروهای شوروی، این فرقه نیز با شکست سختی روبه‌رو شد. سیاست دوران شوروی کمونیستی و استالین موسوم به «دیوار آهنین» و بسته‌شدن مرزهای شمالی ایران در این دوران، ضربه بزرگی به رونق شهر -به‌عنوان مرکز مبادلات منطقه با همسایگان شمالی ایران- وارد نمود. در ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ خورشیدی، تظاهرات مردم تبریز به مناسبت چهلمین روز کشته‌شدگان ۱۹ دی ۱۳۵۶ تظاهرات قم به درگیری کشید و معترضین عملاً بیش‌تر نقاط شهر را تسخیر نمودند. در سال‌های نخست بعد از انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷، طرفداران «حزب جمهوری خلق مسلمان ایران»، برخی ناآرامی‌ها را در این شهر پدید آوردند که با دخالت دولت ایران و تعطیلی حزب مذکور، این ناآرامی‌ها خاتمه یافت. تبریز در سال‌های جنگ عراق با ایران نقش بارزی داشت و حضور نیروهای داوطلب از تبریز در آن دوران درخور توجه بود. بنابر آمار رسمی موجود، شمار کشته‌شدگان این شهر در این جنگ بیش از ۴۰۲۰۰ تن بوده‌است.